

صندلی داغ

مهمان نشریه این شماره: جناب آقای دکتر محمدرضا حسینزاده

دانشیار گروه زمینشناسی دانشگاه تبریز



با سلام. آقای دکتر لطفاً خودتان را معرفی کنید و بیوگرافی مختصری راجع به خودتان بگید.

با نام و یاد خدا، بنده متولد دوم بهمن ۱۳۵۲ شهرستان اهر، دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در اهر سپری کردم. در سال ۱۳۷۱ در کنکور سراسری شرکت کردم و دانشگاه تبریز قبول شدم. اون موقع دانشجویان را بر حسب شماره زوج و فرد لیست ارسالی از سازمان سنجش، بین دو ورودی مهر و بهمن تقسیم میکردند و از آنجایی که شماره ردیف بنده زوج بود (عدد ۱۴) بهمن ماه همان سال وارد دانشگاه تبریز شدم. البته فاصله مهر تا بهمن برای اینکه بیکار نباشم در یک داروخانه در اهر مشغول کار شدم. از بهمن ۷۱ تا بهمن ۷۵ دانشجوی لیسانس همین دانشگاه بودم. اون موقع فکر کنم دوره کارشناسی ۱۴۴ واحد بود، مهر سال بعد دوره فوق لیسانس رشته زمینشناسی اقتصادی را در دانشگاه تبریز شروع کردم تا تیر ماه ۷۸. پس از فارغالتحصیلی جذب شرکت ملی صنایع مس ایران شدم. بعد بطور همزمان، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اهر شدم و پس از قبولی در آزمون دکتری و سپس، اخذ بورس از دانشگاه تبریز از دانشگاه آزاد استعفا دادم و در سال ۸۷ با اتمام دوره دکتری، عضو هیات علمی دانشگاه تبریز شدم. در سال ۱۳۸۵ ازدواج کردم که ثمره آن دختر ۲/۵ سالهام (آیلا) بود که حدود ۴ ماه پیش نتوانست دنیای فانی را تحمل کند و از میان ما پر کشید و رفت

سوابق کاریتون؟

از خرداد سال ۷۶ که از دانشگاه تسویه حساب کردم در یک شرکت خصوصی به نام ژئوداد مشغول کار شدم. این شرکت که کارش ژئوتکنیک بود برای سازمان آب منطقهای کار میکرد، ۶ ماه اونجا فعالیت کردم و بعد از قبولی در کنکور کارشناسی ارشد دوباره وارد دانشگاه تبریز شدم. پس از فراغت از تحصیل، در شرکت ملی صنایع مس ایران استخدام شدم و از سال ۸۰ تا سال ۸۳ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اهر بودم. تیر ۸۷ بنده از رساله دکتری دفاع کردم و از ابتدای شهریور همان سال عضو هیات علمی دانشگاه تبریز شدم. اسفند ۸۷ با صلاحدید رئیس محترم وقت دانشکده، آقای دکتر مؤید بعنوان معاون آموزشی دانشکده علوم طبیعی معرفی شدم و پس از حدود سه سال و نیم فعالیت اجرایی در دانشکده، در تیر ۹۱ بعنوان معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تبریز در حوزه فرهنگی مشغول کار شدم که تا الان در همین حوزه در خدمت دانشگاهیان محترم هستم.

یکی از کاراتون تأسیس رشته زمینشناسی در دانشگاه آزاد اهر بود، چگونه

این امر میسر شد؟
بله، آن موقع در دانشگاه آزاد واحد اهر قبل از اینکه عضو هیات

علمی بشم بصورت حقالتدریس، دروس زمینشناسی رشتههای جغرافیای طبیعی و عمران را تدریس میکردم. مسئولان دانشگاه اظهار علاقه کردند که با توجه به معدنی بودن منطقه اهر، رشته زمین شناسی تأسیس شود و من هم با همکاری آقایان دکتر مؤید و دکتر عامل مقدمات این کار را فراهم کردم. البته در حال حاضر نحوه پذیرش دانشجو، تعداد پذیرش و امکانات آن دانشگاه بنحوی است که بنده خودم از منتقدین آن سیستم هستم چون پذیرش دانشجوی کارشناسیارشد بصورت پرتعداد با افت کیفیت آموزشی همراه است. متأسفانه نه تنها دانشگاه آزاد اهر بلکه سیستم کل دانشگاه آزاد به نحوی است که کیفیت را فدای کمیت میکند.

پایاننامه‌های ارشد و دکتری شما در چه موردی بودند؟

پایاننامه فوقلیسانس من " بررسی کانسار مس تیپ اسکارنی انچرد، شمال غرب اهر" بود، استاد عزیزم جناب آقای دکتر علی اصغر کلاگری راهنمائی بنده را پذیرفتند و آقایان دکتر فرهاد ملکقاسمی و دکتر منصور مجتهدی اساتید مشاور بنده بودند. این منطقه از جمله اسکارتهای تیبیک شمال اهر بود. رساله دکتری بنده نیز یک محدوده مس پورفیری بود بنام سوناجیل در شرق هریس که در این مرحله در محضر اساتید فرزانه آقایان دکتر کلاگری و دکتر مؤید بعنوان راهنمای رساله تلمذ نمودم و آقایان دکتر محسن مؤذن و دکتر بهزاد حاجعلیلو اساتید مشاور من بودند. لازم میدانم مراتب سپاس خود را از این بزرگواران اعلام نمایم.

به زمینشناسی علاقه داشتین یا نه؟
بله

اگه به عقب برگردین و حق انتخاب داشته باشین بازم زمینشناسی رو انتخاب میکنین؟

در شرایط فعلی بله. من اگه بازم به بیست و یک سال پیش برگردم شاید همین راهو ادامه بدم، هنوزم با این امکاناتی که هست بازم علاقه دارم به زمین شناسی. البته اینم بگم که من هم علاقه داشتم زمینشناس بشم هم علاقه داشتم زمینشناس تربیت کنم. در حال حاضر بیشتر روی جنبه دوم قضیه تمرکز کردهام چون کشور ما از لحاظ معدنی یک کشور غنی است و به زمینشناس خوب نیاز دارد و متأسفانه افرادی که الان صاحب معادن هستند یا در راس این سیستمهای معدنی قرار دارند یا افرادی غیرمتخصص هستند یا رشته تحصیلیشان هیچ ربطی به زمینشناسی ندارد. بالاخره باید روزی برسد که تمام نفت ما، معادن ما و شرکتهای معدنی در رأسشان یک زمینشناس باشد که متاسفانه الان اینطور نیست.

جایگاه زمینشناسی را در ایران چگونه میبینین؟

البته در این مورد، خود ما باید دست به دست هم بدم تا جایگاه زمینشناسی رو ارتقا بدیم. در جواب سوال قبلیتون هم گفتم، متولیان کارهای معدنی و نفتی، تحصیلات مرتبط ندارند. تا وقتی در کشور ما این وضعیت وجود دارد نه تنها زمین شناسی بلکه هیچ رشته دیگری اونطوری که باید، جایگاه شایستههای نخواهد داشت. مثلاً تا همین چند وقت پیش، در رأس شرکت ملی نفت ایران کسی بود که لیسانس زبان انگلیسی داشت. به همین خاطر تا وقتی که خودمون نخواهیم این رشته جایگاه واقعی خودش را نخواهد داشت. به نظر من برگزاری "هدفمند" همایشها و کنفرانس ها میتواند رشته زمینشناسی را تا حدی به مردم بشناساند. یادمه چند ماه پیش، رییس جمهور وقت به بازدید بخشی از سازمان زمینشناسی که تازه در کرج افتتاح شده بود رفته بودند. این از معدود خبرهایی بود که راجع به زمینشناسی مطرح بود. متأسفانه وقتی زلزله میاد مسئولین و جامعه یادشان میافتد که رشتهای به نام زمین شناسی وجود داره. متاسفانه ما هم اون تلاشی رو که باید بکنیم، نمیکنیم.

از نظر شما یه دانشجوی خوب چه ویژگی هایی باید داشته باشه؟

دانشجوی خوب باید همه کاراکترهای لازم برای این شخصیت را داشته باشد. بنظر بنده یک دانشجو علاوه بر درسخوان بودن، باید از نظر اخلاقی، فرهنگی و تربیتی نیز در جامعه برتر باشد، چون اگر دانشجویی با وجود درسخوان بودنش در این زمینههاضعفی داشته باشد، باعث ایجاد مشکلاتی برای خود و جامعه میشود، حتی اگر این مشکلات را در دوران تحصیل هم نشان ندهد. بالاخره در هر جامعه‌ای، افرادی هستند

که هرچند از لحاظ علمی بی نقصاند ولی بدلیل همین نقاط ضعف باعث ناهنجاری- هائی میشوند. البته باید خاطر نشان کنم که دانشجو برخی از ویژگیهای شخصیتی خود را از خانواده به ارث میبرد و برخی را نیز از محیط مدرسه و دانشگاه کسب می- کند و در مورد اخیر، نقش و وظیفه ما دانشگاهیان بسیار پررنگ است. چون بنظر بنده دانشجو همانند یک آئینه است و منعکسکننده رفتار و حرفهای ماست. زمانی که دانشجویی وارد دانشگاه میشود بنظرم صفحه ذهن سفیدی دارد که رفتارهای اساتید، کارکنان و دانشجویان ترمهای بالاتر به این صفحه نقش میدهند.

از خاطرات دانشجویی که داشتید برامون تعریف کنید ؟
خاطره بد یا خوب ؟

هر خاطرهای که خودتون مدنظر دارین.

زمان تحصیل بنده بدلیل اینکه دانشگاه با محدودیتهای مالی مواجه نبود، فیلدهای زیادی میرفتیم تقریباً تمامی دروس عملی فیلد هم داشت. با مرحوم دکتر خاضع فیلدهای خیلی خوبی داشتیم. زمینشناسی ایران را با استاد خوبم آقای دکتر جهانگیری تا نزدیک شیراز رفتیم و از معدن نخلک و شهر نایین دیدن کردیم. در فیلدی که با آقای دکتر غضنفری داشتیم یکی از دوستان در حین پائین آمدن از بالای تپهای در منطقه خواجه مرجان سرعت گرفت و کنترل خود را از دست داد و تا کف دره سقوط کرد و بدجوری زخمی شد . دوست دیگری داشتم بنام آقای اکبر نظمیآذر که خیلی صمیمی بودیم، درست مثل برادر بودیم، ایشون به کوهنوردی علاقه زیادی داشت و متأسفانه در کوه میشو در اثر سقوط بهممن به رحمت ایزدی پیوست. این دو خاطره جز خاطرات خیلی بد دوران دانشجویی بنده است. حدود ۷ سال در خوابگاههای ولیعصر، شهرک امام و خوابگاه شماره ۱۰ (خیابان فلسطین) سکونت داشتم که این مدت سرشار از خاطرات خوب بود.

به هوشتان از ۲۰ چند میدهید؟

نمره بدی نمیدهم . البته میشه گفت که به خاطر اتفاقاتی که در این چند ماه اخیر برایم رخ داد نه تنها هوش و تمرکزم، بلکه همه ابعاد زندگیم تحت تأثیر قرارگرفت به همین خاطر اگر این چهار ماه را حذف کنیم نمره خوبی میگیرم .

ویژگی منحصر بفردی که بنظر تون دارین چیه؟

البته باید دیگران نظر بدهند اما بنظر خودم تو کارهام پیگیر و جدی هستم. دیگه اینکه سعی میکنم با دانشجویانم دوست باشم. البته در مقطع لیسانس این فرصت زیاد پیش نمیدا اما همیشه سعی کردم با دانشجویان مقاطع ارشد و دکتری ارتباط صمیمی و دوستانهای داشته باشم که بنظرم، این کلید موفقیت در تربیت دانشجویست و احساس میکنم که در این زمینه موفق هستم. هرچند که باید گفت این دو سال پروژه مقاومتسازی و دوری از ساختمان اصلی دانشکده باعث شد که فاصلهای بین دانشجویان و اعضای هیأت علمی و کارکنان دانشکده بوجود بیاد اما از ترم قبل وضعیت بهتر شده و به امید خدا با همکاری همه، بهتر هم میشود .

بهترین کتبی را که مطالعه کردهاید؟

خیلی با دیوان حافظ مأنوسم و با فواصل زمانی خیلی کم، فال حافظ میگیرم. به کتابهای شعر شاعر معاصر ، آقای فاضل نظری علاقه زیادی دارم. در ضمن سعی می- کنم خواندن قرآن فراموش نشود. از کتابهای تخصصی، کتاب زمینشناسی اقتصادی تألیف دکتر جمشید شهابپور کتاب بسیار خوبی است و از بین کتب انگلیسی زبان نیز کتابی که در سال ۲۰۰۵ آقای لورنس راب نوشتند و آقای دکتر رشیدنژاد با تعدادی از دانشجویان ترجمه کردند، کتابی مفیدی است. بیشتر سعی میکنم مقالات انگلیسی بخوانم تا کتب انگلیسی.

ورزشهای مورد علاقه شما که دنبال می کنید؟

واقعیتش بنده هنوز نتونستم متمرکز شوم و ورزش خاصی را دنبال کنم (البته اگر حالا شروع کنم شاید اون دنیا بدردم بخوره!!!). یک مدت بدمیتون بازی میکردم و مدتی هم والیبال، الان هم مشغله کاریم بدی زیاده که فرصتی نمیمونه و این امر باعث بوجود آمدن یکسری مشکلات جسمی میشه. البته از این به بعد سعی میکنم

اگر پست اجرایی نداشته باشم، ورزش را دنبال کنم. به همین خاطر نمیشه گفت که ورزشکارم و ورزش خاصی را دنبال میکنم که ایکاش امکائی بوجود میآمد که همه ما، نه فقط من، در یک گوشهای از ورزش، نه بصورت حرفهای بلکه آماتور کار می- کردیم.

در طول روز چند ساعت مطالعه آزاد دارید؟

در حال حاضر مطالعه آزادی ندارم چون فرصت نمیکنم، اما اگر در حالت نرمال بخواهیم در نظر بگیریم باید بگم زمانی که در دانشگاهم از ۸ صبح یا سر کلاس هستم یا آزمایشگاه یا به کارهای دانشجویان رسیدگی میکنم و بقیه اوقات هم معمولاً تا ۶ یا ۷ شب جلسه هستم یا در اتاق کار خودم در حوزه ریاست دانشگاه. اما در کل، ماهیت کار ما طوری هست که برای مشاوره دادن به دانشجویان ارشد و دکتری و همچنین برای آمدگی در کلاس در طول ترم نیاز به مطالعه داریم به همین خاطر مطالعه علمی هست اما مطالعه عمومی متاسفانه نیست.

تعریف شما از بهترین دوست؟ بهترین دوستایی که دارین؟

یک مثل معروفی هستش که میگه: ۳ تیپ افراد را در طول زندگی نمیتوان فراموش کرد (۱) افرادی که در سختیها شما را تنها نمیگذارند (۲) افرادی که در سختیها شما را تنها میگذارند (۳) افرادی که شما را در سختیها میگذارند . دسته اول دوستان واقعی هستند و من هم احساس میکنم که چنین دوستانی زیاد دارم. بنظر من دوستان هم مثل کانیها یک طیفی دارند برخی حداقلهای دوستی را رعایت میکنند و برخی حداکثر، که هر چه این طیف وسیعتر باشد بهتر است، که خوشبختانه جز افرادی هستم که سعی کردم دوستان زیادی داشته باشم.

در گروه زمینشناسی، همه اساتیدی که سابقه تدریس نسبتاً زیادی دارند از اساتید بنده بودند مثل آقایان دکتر کلاگری که استاد راهنمای ارشد و دکتری بنده نیز بودند، مرحوم دکتر خاضع، مرحوم دکتر عامری و آقایان دکتر مجتهدی، دکتر ملک قاسمی، دکتر پورابریشمی و دکتر آژیری (که این چهار عزیز بازنشسته هستند) و عزیزانی که اکنون در خدمتشان هستم، آقایان دکتر مؤید، دکتر مؤذن، دکتر عامل، دکتر اصغری مقدم، دکتر جهانگیری و دکتر جمیری. در مورد اساتید جوانتر مثل آقایان دکتر واعظی، دکتر اصغری، دکتر کدخدائی، دکتر زمانی، دکتر سیاه چشم، دکتر حسینیور، دکتر برزگر و نیز هر چند از کلاس درس آنها استفاده نکردهام اما درس انسانیت، اخلاق و بزرگواری از آنها فرا گرفتهام. البته دوستان بسیار صمیمی بنده که ارتباط زیادی با هم داریم و در طول این بیست سال دوران دانشجویئی و همکاری، از الطاف و محبتهای بیدریغشان بهره گرفتهام، آقایان دکتر مؤید، دکتر عامل و دکتر پورابریشمی هستند. در مدت پنج و نیم سال همکاری در گروه زمینشناسی نیز سعی کردهام با تمام همکاران، دوست صمیمی باشم و در این راه موفق هم شدهام. البته این را هم بگویم که من جزء دانشجویان این گروه بودم، همین که این عزیزان و اساتید گرامی، بنده را در بین خودشان پذیرفتهاند برای بنده افتخار بزرگی است و به همین خاطر خداوند بزرگ را شاکرم. امیدوارم بتوانم محبتهای همکاران را جبران کنم.

اولین کلمهای که بعد از شنیدن این کلمات به ذهن شما میرسد؟

پایاننامه : هزینه زیاد؛ شیفت: درخواست عمومی آخر ترم؛ انشگاه تبریز: پیشرفت و توسعه؛ دانشجو: آئینه؛ حقوق ماهانه: آرزو (با خنده) چون معمولاً قبل از اینکه حقوق را بدهند آدم یه آرزوهایی میکنه اما بعد از اینکه دادند و تموم هم شد این آرزوها به ماه بعد منتقل میشوند؛ خدا : تکیهگاه؛ زمینشناسی اقتصادی: ذخایر خدادادی

حرف آخر (توصیههای برای دانشجویان)؟

همدلی، فقط و فقط همدلی، چون اول و آخر همه دوستیها، پیشرفتها و ارتباطهای خوب، همدلی است. احساس میکنم همه مشکلاتی که پیش میاد چه در خانواده، چه در دانشگاه و چه در گروههای دوستی و در نهایت در جامعه، از نداشتن درک متقابل و نبود همدلی و متأسفانه پیروی از نفسانیتها است که اگر این حب نفس سرکوب شود حتماً به یک جامعه آرمانی میرسیم و البته، **سعه صدر** که الفبای دوستیهاست.

با آرزوی موفقیت برای همه شما عزیزان.